

«فوگ»

فوگ مهمترین اثر پولیفونیک از کلمه لاتین Fuga (فرار) مشتق شده و يك اندیشه تعقیب و دنبال کردن یا فرار در آن احساس میشود.

این فرم بسیار مهم و با اهمیت که نتیجه آثار پولیفونیک قرون ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ میباشد در اواسط قرن هفدهم (۱۶۵۰) بفرم اصلی خود در زمینه سیستم تنال یا بعرضه وجود گذاشت.

فوگ از کانون (Canon) و مونه (Motet) و ریچرکاره (Ricercare) و مس (Messe) (آثار پولیفونیک) مایه گرفت و با اینکه از هنر آوازی (Vocal) بوجود آمده بنظر میآید که به هنر سازی (Instrumental) نیز بستگی داشته باشد. در قرون ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ ایتالیاییها به کانونهای ساده فوگ میگفتند و از طرفی شباهت زیادی بین فوگ و ریچرکاره دیده میشود باین ترتیب که در دومی تعداد زیادی تم (باستثناء موارد نادر) بسط داده میشود ولی در فوگ يك تم واحد موجودیت آنرا تضمین میکند که آنرا سوزه (Sujet) مینامند.

تم مزبور باید عصاره آرمونی و تنالیته را دارا بوده و دارای ریتم جالب و مشخصی باشد تا بتواند شخصیت خود را در تمام طول اثر حفظ نموده و حالت تحرك و گسترش آن بتواند ثابت و پایدار بماند، زیرا یکی از نشانههای موسیقی پولیفونیک «يك تکه بودن اثر» بدون توقف است.

هیچگونه فرود (Cadence) که حالت خاتمه جمله ای باشد نباید در آن احساس گردد، اگر هم (در آخر قسمتهای سه گانه فوگ) فرودی میآید حالت خاتمه

کامل (Cadence parfaite) نبوده ضمناً بخشها (صداها) دیگر (برای جلو گیری از احساس هر گونه توقف) بدون وقفه بحرکت خود ادامه میدهند و فقط در آخر قطعه فوگ است که خاتمه کامل احساس میشود و فوگ که مرتباً حرکت و جنبش خود را با شکل مختلف ادامه داده تمام میشود و از حرکت باز می ایستد .

تطور ریچر کاره بطرف فوگ شاید بعلمت جستجوی دائم يك «وحدت» در فرم بوده است و این امر باعث شده تا برای جلو گیری از یکنواختی و بوجود آمدن تازگی هائی (Variation) بشکل کنترپوان و یا تقلید (Imitation) - معکوس کردن - بزرگ و کوچک کردن - فشرده کردن (Stretto) و غیره تم (با حفظ شخصیت خود) دائماً در تغییر باشد .

مدل های کامل فوگ که ارزش حقیقی دارند توسط ژ - س - باخ در نیمه اول قرن هجدهم بوجود آمده اند و هنر فوگ با بوجود آمدن آثار او در دو کتاب «کلاوسن تعدیل شده» و فوگهای ارگ اساس آثار کلاسیک شمرده شد .

بعدها تصنیف فوگ بفرم مستقل آن کم کم از بین رفت (گرچه قطعاً با روش فوگ در سنفونی های کلاسیک و رومانتیک چشم میخورد و مصنفینی مانند موزار و بتهوون و برامس و سزار فرانک سعی کردند روح تازه ای بآن بدمند) و فقط بعنوان تمرین برای شاگردان رشته کمپوزیسیون از آن استفاده گردید که در آن جنبه استتیک و هنری کمتر دیده میشد ولی با تمام اینها استادانی مانند بلابارتوک بآن بطرز دیگری غیر از محوطه تجربیات توجه نمودند و از طرفی چون فوگ بیشتر به قلمرو تنال تعلق دارد استفاده از آن در قلمرو موسیقی جدید (که تعایل زیادی به طرد اصل تنالیتیه داشته است) نتوانسته است آنطور که باید جای خود را بگیرد .

در فوگ که با اصل تقلید (Imitation) پایه گذاری شده هر صدا یا بخش جدید صدا و یا بخش قبلی را تقلید و یا آنرا دنبال میکند در حالیکه در مقابل بخش قبلی حالت فرار دارد .

فوگ مدرسه ای که فقط ارزش تمرینی دارد و اغلب برای چهار صدانوشته میشود بیش از فوگ آزاد (که بیشتر جنبه هنری دارد) قراردادی است و معمولاً از سه قسمت : اکسپوزیسیون (Exposition) - دولوپمان یا دیورتیسمان Divertissement - استرتو (Stretto) تشکیل گردیده است .

اکسپوزیسیون عبارتست از بیان موضوع یعنی شنیده شدن تم اصلی بصورت یکصدائی که بعداً در بخش دیگری معمولاً در تن «دومینانت» (پنجم فوقانی یا چهارم تحتانی) تقلید میشود در حالیکه تم اولی بطرز کنترپوانتیک بحرکت خود ادامه میدهد .

این قسمت را که دنباله تم است کنترسوزه (Contre – sujet) مینامند و باید کاملاً نسبت به عوامل ملدیک و ریتمیک تم بی شباهت باشد تا سوزه بطرز مشخص و واضح شنیده شود .

بعد از شنیده شدن تقلید تم اصلی در تن دومینانت (نمایان) دوباره تم در بخش دیگری (غیر از بخشهای قبلی) در تن اصلی شنیده میشود و این بار علاوه بر ادامه کنترپوانتیک اولی دومی نیز بهمان ترتیب راه خود را ادامه میدهد .

پس از آن باز هم تم در بخش جدیدی در تنالیتته نمایان شنیده میشود . در میان این جوابها و یا تقلیدها ممکن است نغمه‌های کوتاهی (که نقش آنها عبارت از اتصال تم و جواب آن و روابط آرمونیک و کنترپوانتیک و تنظیم آنهاست) شنیده شود که تأثیری در هیئت حقیقی فوگ ندارد بلکه تا حدی از یکنواختی جوابها جلوگیری کرده و در نتیجه تم روشنتر و واضح‌تر بگوش میرسد .

ملودی کنترپوانتیک که دنباله تم است و در مقابل جواب تم بحرکت خود (بطرزی که تم واضح و روشن بگوش برسد) ادامه میدهد باصطلاح کنترسوزه (Contre – sujet) نام دارد .

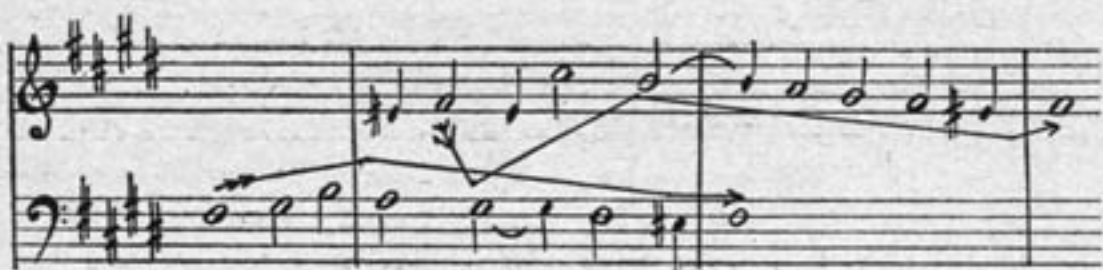
در تم‌های خیلی کوتاه و یا در فوگهای بزرگ چند بار شنیده شدن تم (بنابه تعداد صداهای فوگ) بصورت سوزه و جواب آن برای ایجاد یک اکسپوزیسیون کافی نمیباشد بنابراین در این قبیل موارد از یک کنتر اکسپوزیسیون (Contre Exposition) که از سه و یا چهاررود و یا شنیده شدن تم و جواب آن بشکل‌های دیگر تشکیل میگردد و بوسیله یک دیورتیسمان به اکسپوزیسیون متصل میشود استفاده میکنند .

دولوپمان یا گسترش از یک دسته مدولاسیونها که در آنها تم و جواب بصورت کامل و یا غیر کامل (استفاده از موتیف‌هایی یا قسمت‌هایی از تم) آمده‌اند تشکیل میگردد که در آنجا نیز سوزه و کنترسوزه با یکدیگر همراه میباشند و بیشتر مدولاسیونها در تنالیتته‌های همسایه تن اصلی هستند و برای پیروی از اصل تنوع، گاهگاهی ملودیهای کوتاه (که دارای امکانات تقلید بوده و بیشتر تکه‌هایی هستند که عناصر آنها از میان عوامل اصلی و متحرک و قابل گسترش سوزه و یا کنترسوزه انتخاب شده‌اند) در بین ورودهای تم شنیده میشوند .

اغلب اوقات دولوپمان بوسیله یک پدال نمایان که مقدمه بازگشت به تنالیتته اصلی را فراهم میکند خاتمه می‌یابد .

استرتو (Stretto) که در حقیقت یک نوع نتیجه‌گیری و یا خاتمه فوگ است از یک دسته ورودهای بشکل کانون (Canon) بشکل فشرده از تم و جواب

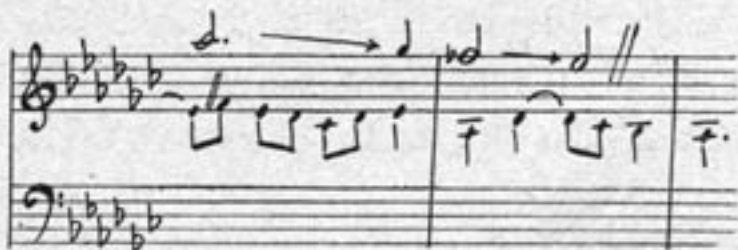
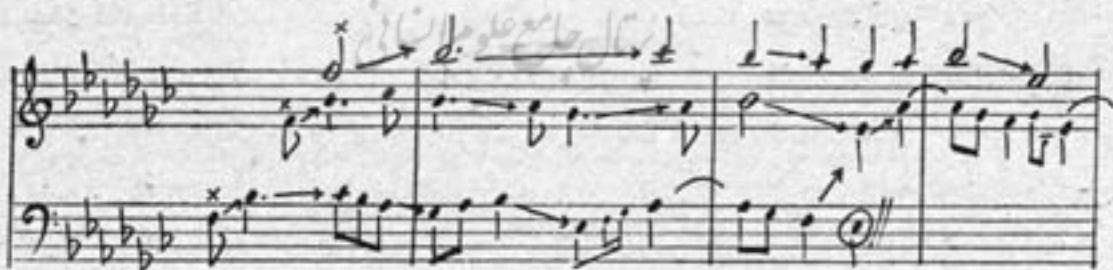
آن ترکیب میشود باین معنی که ممکن است جواب تم قبل از آنکه تمام ملودی تم شنیده شود شروع شود و برای این منظور باید تم طوری انتخاب و تصنیف شده باشد که استعداد و قابلیت رو بهم قرار گرفتن را نسبت بجواب خود دارا باشد و در اینجاست که کار تصنیف فوگ تاحدی مشکل میشود و مصنف باید قبلاً تمی را بوجود آورد که برای این منظور مناسب باشد .



بعضی اوقات تم را از نظر زمان دو برابر یا چهار برابر بزرگ و یا کوچک کرده و در زیر و یا بالای خود آن بطور کنتریوانتیک قرار میدهند و در نتیجه نوعی استرتو بوجود میآید که عناصری از تم در مقابل عناصر دیگر آن قرار میگیرند .

عمل بزرگ کردن تم را افزایش یا اکمانتاسیون (augmentation) و عمل کوچک کردن را کاهش یا دیمیونیون (Diminution) مینامند .

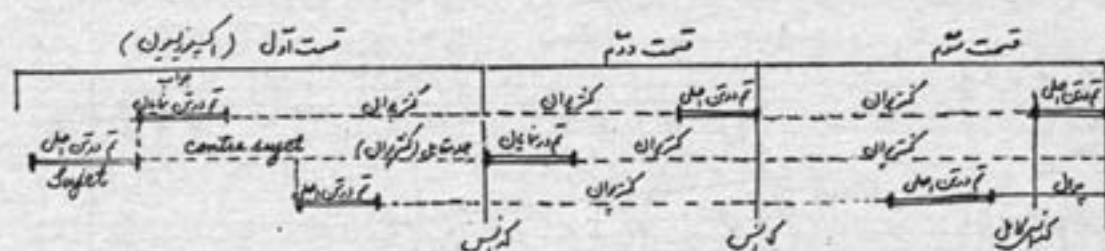
در مثال پائین بخش زیرین تم اصلی است و بخش میانی افزایش آنرا بشکل دو برابر و بخش بالائی افزایش را بشکل چهار برابر نشان میدهد . حال اگر بخش وسطی (میانی) را تم فرض کنیم بخش بالائی افزایش (Augmentation) بشکل دو برابر آن و بخش پائینی کاهش (Diminution) آن بشکل $\frac{1}{4}$ است :



تم اصلی این فوگ با نوت می بمل شروع میشود ولی ضروریات قوانین

فوک مصنف را به تغییر آن (به نوت فا) واداشته است در فوگهایی که تم آنها قابلیت استرتو (Stretto) شدن ندارد بجای این تمهید از نوت پدال استفاده میگردد .

« شش فوگ در فوگ »



فوک آزاد برای ۲ - ۳ - ۴ - ۵ صدا یا بیشتر نوشته میشود و مقررات تصنیف آن چندان مقید نیست باین ترتیب که عناصر متشکله آن با فوک مدرسه‌ای یکی است ولی بنحو آزادتری بوجود میآید معیناً مصنفین آن قبلاً تعداد زیادی فوک مدرسه‌ای تصنیف نموده و به رموز و مشکلات آن پی برده و کاملاً مسلط شده‌اند و میتوان گفت که در اینمورد بدرجه‌ای از کمال رسیده‌اند که میتوانند فوگهای آزادی تصنیف نمایند که جنبه‌های هنری آن مورد تأیید هنرمندان بزرگ جهان باشد .

بطور کلی عناصر مشخصه پولیفونی (علاوه بر آنها تیکه قبلاً اشاره شد) احتراز از بریدگی خطوط ملودیک (بطوریکه وقتی جمله‌ای در يك بخش تمام میشود جمله دیگر در بخش دیگر در حالت شروع یا اواسط آن باشد) - تغییر - ناپذیری تم - عوض شدن بخش‌ها (بوسیله کنتریوان دو و سه صدائی معکوس یا جفت) - امکانات معکوس کردن (معکوس شدن) تم و عوض کردن آرمونی آن - مقابله کردن دو کس (Dux) و کومس (Comes) (دو کس یا رهبر (Antécédent) به تم اطلاق میگردد و کومس یا همراهی کننده (Conséquent) جواب تم است بشکلی که عیناً انتقال داده نشده باشد باین معنی که مثلاً دو یا سه نوت تم در موقع انتقال بنا بضروریات یا ایجاد زیبایی بیشتر عوض شود) - انتقال تم در تنالیت‌های دیگر - وصل تم به کنترسوزدهای جدید - واریاسیونهای کنتریوانتیک مانند حرکات قهقرائی تمها کریس (Crebs) و افزایش و کاهش آنها اساس هنر فوک میباشد که تعدادی از آنها اساس کار شونبرگ مبتکر موسیقی دود کافونیک قرار گرفت .

مصطفی پورتراب